

ارسال: ۱۴۰۰/۰۳/۱۶

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۴

10.22034/nf.2024.191913

تأثیر اندیشه، افکار و آثار شریف جرجانی در شبه‌قاره

شهره معرفت* (استادیار فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ایران)

چکیده: میر سید شریف جرجانی، متکلم، فیلسوف، منطقی، ادیب و منتقد ایرانی قرن هشتم و نهم هجری است. جرجانی آثار فراوانی دارد و بر بسیاری از کتب متقدم و متأخر خود، شرح و حاشیه نوشته است. نفوذ اندیشه‌ها، آرا و آثار جرجانی حتی در سرزمین‌هایی که او در آن‌ها نبوده است، بسیار است. گستره نفوذ او چنان بود که نویسندگان ایرانی، ترک، عرب و همچنین شبه‌قاره آثارش را می‌خوانده و به نوشته‌هایش استناد می‌کرده‌اند. در طی چند قرن، در شبه‌قاره هند، آثار جرجانی را در نظام مدرسی می‌خوانده و بر آن‌ها شرح و حاشیه می‌نوشته یا تحریرهای تازه‌ای از آن‌ها فراهم می‌آورده‌اند. همچنین گاه به تلخیص یا ترجمه آن‌ها می‌پرداخته‌اند. نسخه‌های خطی، کتاب‌های چاپ سنگی و سربی آثار جرجانی در کتابخانه‌های این سرزمین‌ها فراوان است. شاگردان و نوادگان جرجانی هم در جریان گسترش آرای او در آنجا مؤثر بودند. در این مقاله، پس از اشاره به زندگی، احوال و آثار جرجانی، با تأکید بر منابع نوشتاری شبه‌قاره، به بررسی تأثیر آرا و آثار او در این سرزمین‌ها می‌پردازیم.

کلیدواژه‌ها: جرجانی، شبه‌قاره، نسخ خطی و چاپ‌های سنگی، نظام مدرسی، تلخیص و شرح.

۱. مقدمه

۱-۱. درآمدی بر زندگی، احوال و آثار شریف جرجانی با تأکید بر منابع شبه‌قاره

شریف‌الدین علی بن محمد بن علی حسینی جرجانی، متکلم، منطقی، ادیب و منتقد ایرانی (۷۴۰-۸۱۶ق)، مشهور به «سید شریف» (الکُنُوی، ص ۱۲۵) است. السَّخَاوِی در الضَّوَاءِ اللَّامِعِ (ج ۵، ص ۳۲۸) و جِزِیةَ الْکَلَامِ (ج ۲، ص ۴۲۹) برای جرجانی عنوان و کنیه «السید الزین ابوالحسن» را می‌آورد؛ مدرّس (ج ۳، ص ۲۱۳)، با اشاره به نسب جرجانی، او را «حسنی حسینی نسب» می‌خواند. برخی هم با عنوان «شریف‌الدین» (معصوم‌علیشاه، ج ۲، ص ۶۸۹) یا «زین‌الدین» (مقریزی، ج ۲، ص ۵۲۴) از او یاد می‌کنند و دیگران پسوند «شیرازی» را هم بر نامش می‌افزایند (حسینی فسایی، ج ۲، ص ۱۱۳۸). نسب جرجانی با سیزده واسطه به محمد بن زید می‌رسد (شوکانی، ج ۱، ص ۴۸۸). برخی از منابع، از جمله در شبه‌قاره، جرجانی را زاده «جرجان» (الکُنُوی، ص ۱۲۵) و برخی دیگر زاده قریه «طاغو» (از توابع استرآباد) (خواندمیرا، ج ۳، ص ۵۴۶) می‌دانند. مدرّس (ج ۳، ص ۲۱۴) جرجانی را «استرآبادی‌الأصل جرجانی‌المولد، شیرازی‌المدفن» می‌خواند.

شریف جرجانی نزد استادانی چون نورالدین طاووسی و مخلص‌الدین ابوالخیر علی درس خواند (السَّخَاوِی، ج ۵، ص ۳۲۸). در نوجوانی بر الوافیه فی شرح الکافیة رکن‌الدین استرآبادی تعلیقه نوشت و نخستین آثار خود را از جمله کتابی به زبان فارسی در نحو عربی نگاشت (الکُنُوی، ص ۱۲۵-۱۲۶)؛ سپس به هرات رفت و از محضر قطب‌الدین رازی بهره برد. قطب‌الدین با درک استعداد جرجانی، او را برای تحصیل نزد شاگردش، شمس‌الدین محمد بن مبارک شاه هروی (مشهور به میرک بخاری)، در قاهره فرستاد (همو، ۱۲۶-۱۲۷). شریف در راه عزیمت به قاهره، با اطلاع از شهرت درس جمال‌الدین محمد بن محمد آق‌سرای به سوی قرامان در آسیای صغیر حرکت کرد؛ اما رسیدن او بدان شهر مصادف شد با مرگ جمال‌الدین (وفات: پس از ۷۷۰ق). در آنجا با شمس‌الدین محمد فتّاری آشنا شد و با او به مصر رفت. در قاهره نزد اکمل‌الدین محمد بن محمود بابرته، به تحصیل علوم شرعی، و نزد میرک بخاری به خواندن منطق و کلام پرداخت. شریف چهار سال در سعید السَّعداء قاهره ماند (همو، ص ۱۲۷-۱۲۸)؛ سپس به ایران بازگشت. در اطراف شیراز در زئی لشکریان و به واسطه سعدالدین انسی (از رجال و وزراء فارس) به خدمت شاه شجاع مظفری (حک ۷۶۱-۷۸۶ق) رسید و یکی از آثار خود را بدو تقدیم کرد (غنی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳۹۱؛ نیز نک: اختر هوگلی، ج ۱، ص ۸۳۰). شاه شجاع با مطالعه این اثر، منصب تدریس در مدرسه دارالشفا را به جرجانی داد و او ده سال در شیراز ماند (نورالله شوشتری، ج ۲، ص ۲۱۸) و از جمله کسانی بود

که در سده نهم ق، هسته مرکزی علمی و کلامی را در شیراز پایه گذارد (عیوضی، ص ۲۷). او پس از فتح شیراز به وسیله امیر تیمور گورکانی (۷۸۹ق)، با وساطت یکی از وزرای تیمور امان یافت. امیر چندی بعد او را با خود به سمرقند برد (طاش‌کویری‌زاده، ص ۳۰). تیمور، سادات و علما، از جمله جرجانی را به‌عنوان غنیمتی معنوی با خود همراه کرد و جرجانی در مکتوبی به تیمور، او را «مروّج دین» دانست (حسینی تربتی، ص ۱۸۰). شریف در مدرسه‌ای یکی تیمور در سمرقند به تدریس مشغول شد (خنجی، ص ۲۶۰). مناظره مشهور او با سعدالدین تفتازانی، در همین دوره اتفاق افتاد.^۱ جرجانی تا مرگ تیمور (وفات: ۸۰۷ق) در سمرقند ماند و بعد به شیراز بازگشت (خواندمیرا، ج ۳، ص ۵۴۷) و تا زمان مرگ در همان جا ماند. بنا به روایت العفیف الجرهی و ابوالفتوح الطّاوسی، سید شریف در سال ۸۱۶ق درگذشت (غنی، ص ۱۵۲؛ روملو، ج ۱، ص ۲۰۵). السّخاوی (۱، ج ۵، ص ۳۲۹ و ۳۳۰) این تاریخ را از روایت‌های دیگری چون ۸۱۴ق (مقریزی، ج ۲، ص ۵۲۶) صحیح‌تر می‌داند. برخی از تذکره‌نویسان شبه‌قاره تاریخ وفات جرجانی را به‌خطا آورده‌اند (نک: لکهنوی، ص ۳۵۰). قاضی محمد صادق خان اختر (وفات: ۱۲۷۴ یا ۱۲۷۵ق)، صاحب تذکره آفتاب‌المتاب، تاریخ درگذشت شریف جرجانی را ۸۱۶ق و به قولی ۷۹۷ق آورده است (اختر هوگلی، ج ۱، ص ۸۳۰). واله داغستانی (ج ۲، ص ۱۰۶۶ و ۱۰۶۷) هم این تاریخ را ۷۹۷ق ضبط کرده است. در یکی از نسخه‌های خطی کتابخانه فقیر سید مغیث‌الدین در لاهور، با عنوان «وفات‌نامه پیران»، تاریخ وفات بزرگانی چون تفتازانی، شاه نعمت‌الله، جامی، شاه علاء‌الدین مجذوب اکبرآبادی، غوث گویاری و از جمله شریف جرجانی به نظم درآمده است (متزوی، ج ۱۱، ص ۱۱۱۵) که نشان اهمیت و جایگاه جرجانی در آن دیار است. پیکر جرجانی را در جنب مدرسه دارالشفاء، نزدیک جامع عتیق شیراز، به خاک سپردند (السّخاوی، ج ۵، ص ۳۲۹-۳۳۰). فرصت (ج ۲، ص ۷۶۷) نیز، هرچند با تردید، این مطلب را بنا به نظر جمهور تأیید می‌کند. در مکتب جرجانی، شاگردان بسیاری پرورش یافتند^۲ که برخی از آنها

۱. این مناظره با حضور تیمور و داوری نعمان‌الدین خوارزمی، در باب بخشی از کتاب الکشاف زمخشری برگزار شد و با برتری جرجانی و تألم تفتازانی به پایان رسید تا جایی که گفته‌اند این امر در مرگ تفتازانی مؤثر بود (الّکنوی، ص ۱۲۸-۱۳۰)؛ تنکابنی (ص ۹۱۴ و ۹۱۵) درباره معارضه جرجانی با تفتازانی آورده است که هرچند جرجانی چندی نزد تفتازانی تلمذ کرده بود؛ اما هر گاه تفتازانی کتابی می‌نگاشت، او نیز در برابرش کتاب دیگری می‌نوشت. تنکابنی شرح این معارضات گاه لطیفه‌وار را در کتابش آورده است.

۲. از جمله شاگردان جرجانی‌اند: خواجه علی سمرقندی، از استادان جامی (فخرالزمانی قزوینی، ص ۱۰۱)؛ نیز نک: کاشفی، ج ۱، ص ۲۳۵)، سعدالدین اسعد دوانی کازرونی که بارها در کتابش از جرجانی نام برده است

به شبه‌قاره نیز راه یافتند و در این باره پس از این سخن خواهیم گفت.

بیشتر مآخذ^۱ و از جمله برخی از مآخذ شبه‌قاره (نک: الکنوی، ص ۱۲۵)، جرجانی را حنفی‌مذهب شمرده‌اند، اما برخی از تشیع او سخن گفته‌اند (نک: نورالله شوشتری، ج ۲، ص ۲۱۷). همچنین حکایتی از قول شافعیان فارس آورده‌اند مبنی بر آنکه امیر تیمور او را به انتخاب دو مذهب شافعی و حنفی (مذاهب شایع در فارس، خراسان و ماوراءالنهر آن زمان) مختار کرد و او مذهب حنفی را برگزید، چرا که بیشتر نزدیکان شاه، حنفی بودند (همو، ج ۲، ص ۲۱۸-۲۱۹). از اشاره‌های جامی در نفحات الأنس (جامی، ص ۳۹۴) برمی‌آید که جرجانی پیش از صحبت زین‌الدین کلاه، مذهب رفض (تشیع) داشته است (نیز نک: محمد قدرت‌الله گویاموی، ص ۴۱۴).

ظاهراً جرجانی در اواخر عمرش از علوم ظاهری و رسمی منصرف شد و راه سیر و سلوک را پیمود. آثاری چند در تصوف از او باقی مانده یا منسوب بدوست. عیسی بن جنید شیرازی (ص ۳۶۴)، از معاصران جرجانی، او را «صوفی باصفا» می‌خواند. نشان دیگری از گرایش‌های صوفیانه او را می‌توان از روابطش با صوفیان دانست؛ برای نمونه، برخی ضمن گزارش سفر شاه نعمت‌الله به شیراز، درباره استقبال جرجانی از او و روابط صمیمانه آن دو سخن گفته‌اند (مستوفی بافتی، ص ۳۲؛ کرمانی، ص ۸۶). افزون بر این، گفته‌اند که جرجانی به شیخ زین‌الدین کلاه و خواجه علاءالدین محمد عطار بخاری، از خلفای شیخ بهاء‌الدین نقشبند هم ارادت می‌ورزیده است (الکنوی، ص ۱۳۰؛ محمد قدرت‌الله گویاموی، ص ۴۱۳)، هرچند برخی از منابع شبه‌قاره، پیوند شریف با خواجه علاءالدین را محل تردید دانسته‌اند (نک: آزاد بلگرامی، ص ۲۱۲-۲۱۳).

عصر تیموریان دوره تنزل علم و ادب و قلت کتب تصنیفی و کثرت شرح و حاشیه و تفسیر مؤلفات پیشین است. بیشتر آثار جرجانی نیز که آن‌ها را قریب صد اثر دانسته‌اند، از این نوع است.^۲ الکنوی (ص

(نک: اللواتی، ص ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۹۴)، محیی‌الدین کوشکناری و خواجه حسن شاه بقال (خواندمیر، ص ۲۶۹)، ابن قاضی سماونه (طاش‌کوپری‌زاده، ج ۲، ص ۲۶۱)، ابواللیث فقیه (اوحدی، ج ۵، ص ۲۸۱) و... گفته‌اند که حافظ شیرازی نیز مدتی شاگرد شریف بوده است (فرصت، ج ۲، ص ۷۸۴)؛ اما با توجه به این که جرجانی در ۷۸۰ق، یعنی ۱۲ سال پیش از وفات حافظ به شیراز آمده و در آن تاریخ که شریف جوان بوده، حافظ پیرمردی بوده، درستی این نظر محل تردید است (غنی، ۱۳۳۶، ج ۱، ص ۳۹۲).

۱. در این باره، نک: مدرّس، ج ۳، ص ۲۱۳، سیوطی، ج ۲، ص ۱۹۶.

۲. درباره حاشیه‌نویسی‌های جرجانی چنین آورده‌اند: «حاشیه‌نویسی او نوع ادبی خاصی است که با بسیاری از

۱۳۰-۱۳۷) شماری از آثار شریف جرجانی را در کتابش برمی‌شمارد. به نوشته همو آثار جرجانی از گستردگی علم او حکایت می‌کند و عباراتش فصیح و دقیق است (همو، ص ۱۲۵)، هرچند در آثار فارسی او واژه‌ها و ترکیبات عربی فراوان ملاحظه می‌شود. در باب استعداد شگرف جرجانی فراوان سخن گفته‌اند (برای نمونه، نک: الخوانساری، ج ۵، ص ۳۰۰).

۱-۲. شریف جرجانی در تذکره‌های شبه‌قاره

تذکره‌های شبه‌قاره شریف جرجانی را «سید سند» و «پیر» می‌نامند و او را از «راویان معتبر» و از «علمای حکمت» می‌دانند. افزون بر علم و فضل جرجانی، این تذکره‌ها به عارف بودن او و شاعری اش اشاره دارند. نویسندگان این منابع، بارها به سخنان جرجانی استناد کرده‌اند.

در تذکره‌های شبه‌قاره، بارها به نام و ذکر نکته‌ای درباره جرجانی برمی‌خوریم که این امر نشان شناخته بودن جرجانی و آثار او و تأثیرگذاری آرا و آثارش در آن سرزمین‌هاست. مثلاً قاطعی هروی (وفات: ۱۰۲۴ق)، در تذکره‌اش، مجمع‌الشعراى جهانگیرشاهی، و در «ذکر خیر عین‌الملک»، به «میر سید شریف» اشاره می‌کند؛ اما اطلاع خاصی از او به دست نمی‌دهد (نک: قاطعی هروی، ص ۵۹). سراج‌الدین آرزو (وفات: ۱۱۶۹ق)، درباره جرجانی چنین آورده است: «پایه دانش او از اینجا قیاس باید کرد که مصنفات او افاده بخش مبتدی تا منتهی است» (آرزو، ج ۲، ص ۷۵۷). میر غلامعلی آزاد بلگرامی (وفات: ۱۲۰۰ق) در مآثر الکرام و در شرح احوال «حافظ امان‌الله بن نورالله بن حسین بنارسى» (وفات: ۱۱۳۳ق. از فحول علمای هندوستان)، از زبان شیخ محمد یحیی (وفات: ۱۱۴۴ق. از علمای هند و صاحب تصانیف فراوان)^۱ به حافظ امان‌الله می‌گوید که او بر «سید سند»، یعنی شریف جرجانی رجحان دارد و حافظ امان‌الله از سر تواضع در پاسخ می‌گوید که وی با سید مسئله‌ای ندارد (آزاد بلگرامی، ص ۲۱۲-۲۱۳). چنین قیاسی نشان جایگاه والای جرجانی در شبه‌قاره است که گاه بزرگان آن دیار را به چالش و برتری‌جویی وامی‌داشته است (برای نمونه‌ای دیگر در این باره، نک: واله داغستانی، ج ۲، ص ۲۱۱۹). صاحب تذکره مخزن الغرائب (تألیف ۱۲۱۸ق)، ضمن اشاره به «تصانیف عالی» شریف جرجانی، از شریف در زمره شاعران نام برده و سه بیت از او را در تذکره‌اش

حاشیه‌نویسی‌های دیگر متفاوت است. او چندان تمایلی ندارد که آرای خود را منعکس کند، بلکه بیشتر هم خود را صرف توضیح متن و روشن کردن منظور آن می‌کند؛ گاهی حتی با مراجعه به نسخ مختلف، کوشش‌هایی در زمینه تصحیح متن کرده است» (شکیبانی و پورجوادی، ص ۱۳۶).

(۱) درباره «شیخ محمد یحیی»، نک: رحمان علی، ص ۸۲.

آورده است^۱؛ هرچند جرجانی در منابع فارسی چندان به شعرش شناخته نمی‌شود. به نوشته صاحب این تذکره، «جرجانی در فضل و کمال معروف جهان است... علم و فضل از او در مباحث است، نه او از علم و فضل» (هاشمی سندیلوی، ج ۲، ص ۷۸۸). محمد ثناء‌الله پانی‌پتی عثمانی (وفات: ۱۲۲۵ق)، از عارفان نقشبندیه و عالمان حنفی شبه‌قاره، در کتابش به سخنان شریف جرجانی استناد می‌جوید (ثناء‌الله پانی‌پتی، ج ۲، ص ۱۸۴). تذکره‌نویس هندی، رحم‌علی خان ایمان (وفات: ۱۲۲۶ق)، جرجانی را «عالم‌ زمانه و عارف یگانه» می‌خواند و درباره او چنین می‌آورد: «مهر منیر علمش بر افق کمال تافته و هر کس از مبتدی و منتهی به انوار تصانیفش اشراق فیض یافته» (ایمان، ص ۳۵۷). ابوالحسنات الکنوی (وفات: ۱۳۰۴ق)، از فقیهان حنفی شبه‌قاره، از جرجانی با عنوان «السید السند» و «عالم‌ تحریر» یاد می‌کند (الکنوی، ص ۱۲۵). نیز در خلاصه یکی از کتاب‌های دانشمند هندی، حامد حسین الکنوی (وفات: ۱۳۰۶ق)، جرجانی «از مشاهیر راویان حدیث» شمرده شده است (نک: الحسینی المیلانی، ج ۲۰، ص ۱۸) که نویسنده بارها به قول او استناد می‌جوید (همو، ج ۱۷، ص ۱۶۷، ۳۳۳، ۳۳۵، ۳۸۹؛ ج ۲۰، ص ۶۰، ۲۰۰، ۲۴۰). صدیق حسن‌خان (وفات: ۱۳۰۷ق)، جرجانی را از «علماء الحکمة» می‌خواند (صدیق حسن، ص ۸۷) و دارای کمال شهرت می‌داند (همو، ص ۲۶۲ و ۲۶۳). صدیق حسن در این کتاب، به تصانیف فراوان جرجانی در علوم معقول و منقول اشاره می‌کند و دو بیت هم از او نقل می‌کند. محمد بن احمد خواجهگی شیرازی، اندیشمند و شاعر قرن دهم هجری قمری، است که در زمان سلطنت صفویان، از ایران به هند رفت و در دربار نظام‌شاهیان، قطب‌شاهیان و تیموریان ارج و قرب یافت. همو (خواجگی شیرازی، ص ۴۱) در کتابش تعریف «علم‌ کلام» را از قول شریف جرجانی می‌آورد. صاحب کتاب شب‌های پیشاور^۲ هم جرجانی را از «روای معتبره» می‌خواند و به نوشته‌های او استناد می‌جوید (سلطان‌الواعظین، ج ۲، ص ۲۱۹ و ۵۱۱). به نوشته شاهد چوهدری (وفات: ۱۳۹۶)، اقبال لاهوری (وفات: ۱۳۱۷)، هم به آرای جرجانی توجه داشته است (دراین‌باره، نک: چوهدری، ص ۱۰۷-۱۲۰). گفتنی است که در یکی از نسخه‌های خطی رساله کبری، در فهرست

(۱) بیت‌های دوم و سوم را که در این تذکره به نام شریف جرجانی آمده است، به دیگران هم نسبت داده‌اند (از جمله، نک: «آثار شعراء باستان»، ص ۲۴)؛ اما در سفینه صائب به نام جرجانی آمده است (نک: «آثار معاصرین»، ص ۳۳). مولوی محمد مظفر حسین صبا، صاحب تذکره روشن (تألیف ۱۲۹۶ق) هم، بیت سوم را به نام «شرف [؟] جرجانی» آورده است (نک: صبا، ص ۴۱۶).

(۲) کتاب شب‌های پیشاور، نتیجه مناظرات سلطان‌الواعظین با علمای اهل سنت در پیشاور پاکستان بوده است که ابتدا در جراید هند و سپس توسط مؤلف به چاپ رسیده است (درباره سلطان‌الواعظین و سفر او به شبه‌قاره، نک: اردشیری، ص ۱۸۰ و ۱۸۵).

مخطوطات شیرانی، از جرجانی با عنوان «پیر» یاد شده است (حسین، ص ۲۲۵).

۲. جرجانی و تأثیر او در شبه‌قاره

از سرزمین‌هایی که افکار، آثار و اندیشه‌های میر سید شریف جرجانی در آنجا گسترش یافت و تأثیر گذاشت، شبه‌قاره هند و پاکستان بود. این امر نمودهای مختلف و دلایلی چند داشت؛ از جمله:

۱-۲. سکونت برخی از نوادگان و شاگردان جرجانی در شبه‌قاره. برخی از نوادگان و شاگردان جرجانی به شبه‌قاره رفتند و در آنجا ماندگار شدند و صاحب مقام‌های علمی و سیاسی در آن سرزمین شدند. نمود آن را در منابع تاریخی شبه‌قاره و تذکره‌های این سرزمین‌ها ملاحظه می‌کنیم. از اواخر سده نهم هجری قمری «دانشمندانی از خراسان، از شاگردان به واسطه جامی و میر سید شریف جرجانی (گرگانی) استرآبادی...، به هند آمده و آثار استادان خویش را در این سامان رواج دادند» (ثبوت ۳، ص ۱۸)؛ برای نمونه، مولانا سماء‌الدین کنبوی دهلوی (وفات: ۹۰۱ق) شاگرد باواسطه جرجانی بود (عبدالحق محدث دهلوی، ص ۴۲۰) که سلطان سکندر لودی^۱ برایش احترام فراوانی قائل بود. «سلسله علوم ظاهری وی [سماء‌الدین] به یک واسطه به میر سید شریف جرجانی... منتهی می‌گردد» (دهلوی کشمیری، ص ۱۰۴). سماء‌الدین نزد مولانا ثناء‌الدین، از شاگردان سید شریف جرجانی تلمذ کرد. او مدتی در ملتان بود و سپس به دهلی رفت و در همان‌جا درگذشت. سماء‌الدین بر لمعات فخرالدین عراقی حواشی‌ای نوشت و به حلّ دشواری‌های عرفانی آن پرداخت. همچنین او رساله‌ای دارد مسمی به مفتاح‌الأسرار که بیشتر آن منقول از رسایل شیخ عزیزالدین نسفی (عارف برجسته سده هفتم ق) است (همو، ۴۲۰ و ۴۲۱). عبدالشکور ریوانی (معروف به رحمان علی)، از صوفیان و عالمان قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم ق، تذکره‌ای دارد با عنوان تحفة الفضلاء فی تراجم الکملاء در شرح احوال علمای مقیم هند. نویسنده این تذکره، همان اطلاع عبدالحق محدث دهلوی^۲ را در باب شاگردی باواسطه مولانا

۱) در زمان حکومت لودی، علاقه به علوم معقول زیاد شد. متکلمان آن زمان به خواندن آثار جرجانی، تفتازانی و خواجه نصیرالدین طوسی می‌پرداختند (رضوی، ص ۴۷)؛ درباره «سلطان سکندر لودی» (حک: ۱۸۹-۱۹۲۳ق)، نک: هدی، ص ۲۶-۳۴.

۲) عبدالحق محدث دهلوی (۹۵۸-۱۰۵۲ق)، فقیه، محدث، مفسر، عارف و شاعر اهل دهلی است. معروف‌ترین کتاب محدث دهلوی، اخبار الاخیار فی اسرار الابرار است، در شرح عرفای شبه‌قاره، صوفیان

سماء‌الدین نزد جرجانی در کتابش آورده است (رحمان علی، ص ۱۰۶). افزون بر آن، رحمان علی در شرح زندگی «مولانا شاه ولی‌الله دهلوی» (وفات: ۱۱۷۶ق)، محدث، فقیه و متکلم، چنین آورده است که او سند علمی خود را با چند واسطه از جرجانی گرفته است (نک: همان، ۳۱۲). همین ولی‌الله، صرف میر را برای پسرش عبدالعزیز به نظم درآورده است^۱ (نوشاهی، ۳، ص ۵۵۳؛ نوشاهی، ۱، ج ۱، ص ۳۴۴). از سادات بلندپایه‌ای که نسبشان به شریف جرجانی می‌رسیده است، می‌توان به سید شاه میرک (وفات: ۹۷۶ق)^۲ از مقربان همایون پادشاه و نیز خان‌خانان بیرم‌خان (از امرا و وزرای سلسله گورکانیان هند) اشاره کرد (عبدالحق محدث دهلوی، ص ۴۵۹). شخصیت دیگر، میر مرتضی شریفی شیرازی (وفات: ۹۷۴ق)، نبره جرجانی بود^۳ که پس از آموختن علم حدیث در مکه، به دکن و از آنجا به آگره رفت (شفیق اورنگ‌آبادی، ص ۲۳۰-۲۳۱؛ رحمان علی، ص ۲۷۹) و در هند در دستگاه اکبرشاه گورکانی (وفات: ۱۰۱۴ق) بر اکثر فضلاء تقدّم یافت و به تدریس علوم حکمی و دینی پرداخت (ثبوت، ۳، ص ۲۱). او افزون بر این به منطق، ریاضی و شاعری هم می‌پرداخت (نک: رحمان علی، ص ۲۷۹). شریفی در همان هند وفات یافت و در جوار امیرخسرو دهلوی به خاک سپرده شد؛ اما تعصب مذهبی قاضی دهلی، موجب انتقال پیکر او به مشهد شد (برای اطلاع بیشتر درباره «شریفی شیرازی»، نک: بداونی، ج ۳، ص ۲۲۰).

از برخی شاگردان شریف جرجانی هم در شماری از منابع شبه‌فاظه نام برده شده است که در این سرزمین‌ها نبوده‌اند؛ از جمله فخرالدین عجمی (وفات: ۸۶۵ق) و فتح‌الله شروانی (وفات: ۸۸۰ق) (الکونوی، ص ۱۳۰).

چشتیه، سهروردیه، قادریه و نقشبندیه (درباره این شخصیت، نک: حاج‌سیدجوادی، ص ۱۳۳-۱۴۶).
۱) محدث دهلوی در مقدمه این منظومه آورده است: «پیش از این مولانا جامی... بعضی از آن قواعد را به نظم درآورده بود و بعضی را هنوز تنقیح و تجدیدنظر نکرده بود، لاجرم بعضی ابیات او (جامی) را تیمناً و تبرکاً بدون تصرف آورده و در بعضی اشعار او به حسب ضرورت تصرف کرده و بعضی را بر همان سبک و وزن خودش سروده است» (نوشاهی، ج ۱، ص ۳۴۴). این منظومه در سال ۱۹۱۵م. در دیوبند به چاپ سنگی رسید.

۲) گفتنی است در مدخل «جرجانی، علی» در دانشنامه بزرگ اسلامی (نک: پورجوادی، ذیل «جرجانی، علی»)، تاریخ قتل بیرم خان (مقتول در ۹۶۸ق)، به خطا به جای تاریخ درگذشت سید شاه میرک آمده است.
۳) برخی از تذکره‌های متأخر هندی، به خطا، شریفی شیرازی را با شریفی مشهدی، از معاصران علیشیر نوای درهم آمیخته‌اند (نک: عظیم‌آبادی، ج ۲، ص ۲۰۵۴).

۲-۲. تدریس کتاب‌های شریف جرجانی در مدارس شبه‌قاره و تجدید چاپ کتاب‌های او و شرح‌نویسی بر آن‌ها. میر شریف جرجانی تأثیر بسزایی در حیات علمی و فکری مدارس شبه‌قاره داشت. آثار جرجانی از کتاب‌های مدرسی حوزه جغرافیایی شبه‌قاره بوده و کتاب‌های او سال‌ها در بسیاری از مدارس هند و پاکستان تدریس می‌شده است؛ برای مثال، در دارالعلوم اشرفیه مبارکپور، در پایه اول، نحو میر و در پایه چهارم، شرح قطبی جرجانی را درس می‌داده‌اند (ثبوت ۳، ص ۲۷ و ۲۸)؛ یا در جامعه حبیبیه الله آباد^۱ کتاب‌های صرف میر و نحو میر را درس می‌داده یا به تدریس صغری و کبری (هر دو کتاب در منطق) در پایه دوم می‌پرداخته‌اند (همان‌جا). صرف میر به‌عنوان کتاب درسی، بارها ضمن جامع‌المقدمات و جداگانه در شبه‌قاره چاپ شده است (منزوی، ج ۱۳، ص ۲۵۷۸)، این کتاب برای آموزش صرف عربی به مبتدیان بوده است (عباسی نوشاهی، ۳، ص ۷۱).

افزون بر آن، بزرگانی آثار جرجانی را نزد استادان خویش می‌خوانده‌اند؛ برای نمونه، علیم‌الله بن عبدالرشید لاهوری هندی (وفات: ۱۱۷۶) شرح شمسیه^۲ قطب رازی و حاشیه جرجانی بر این کتاب را نزد شیخ محمد افضل یوربی خواند (نک: المرادی، ج ۳، ص ۲۷۶-۲۷۷)؛ یا تفضل حسین خان (مشهور به خان علامه)، ریاضی‌دان و حکیم هندی سده ۱۳ و ۱۴ ق بود که در هجده‌سالگی به لکهنو رفت و نزد شیخ محمدحسن بن غلام مصطفی لکهنوی (وفات: ۱۱۹۹ق) شرح موافق (در علوم عقلی) جرجانی را خواند. (نک: رحمان علی، ص ۳۶؛ نیز نک: حسنی لکهنوی، ج ۷، ص ۱۱۲). همچنین، برخی از مدرّسان هند، سند اجازه تدریس خود را از جرجانی دریافت می‌کردند (در این باره، نک: کوموش، ص ۳۷).

طیف گسترده مخاطبان آثار شریف جرجانی در شبه‌قاره، نشان جایگاه علمی او و تأثیرش در آن سرزمین‌هاست که مؤید نظر تذکره‌نویسان شبه‌قاره درباره جرجانی است که مبتدیان و منتهیان از آثارش بهره‌مندند.

مدرسی بودن کتاب‌های شریف جرجانی و توجه بزرگان شبه‌قاره به آثار او، موجب تجدید چاپ، حاشیه‌نویسی‌ها و شرح‌نویسی‌های مکرری بر آن‌ها شده است؛ از جمله کتاب‌های جرجانی که بارها در شبه‌قاره چاپ شده‌اند، عبارتند از: شرح موافق عضدی در لکهنو، دهلی (مدرّس، ج ۳، ص ۲۱۵؛ نیز نک:

۱. درباره «دارالعلوم اشرفیه» و «جامعه حبیبیه»، نک: ثبوت ۲، ص ۱۷.

۲. نسخه‌ای خطی از شرح شمسیه در کتابخانه گنج‌بخش (۶۸۷۸) موجود است که آن را با تردید به جرجانی هم نسبت داده‌اند (منزوی، ج ۲، ص ۹۳۰).

سرکیس، ج ۱، ص ۶۸۰)، صرف میر در کلکته، لکهنو، بمبئی، کانپور، لاهور، ملتان، دهلی (نوشاهی ۷، ج ۲، ص ۹۳۴)، منطق صغری در لکهنو، کانپور، لاهور، کراچی، دیوبند، نول کشور (همو، ج ۴، ص ۲۴۷)، منطق کبری در لکهنو، کانپور، لاهور، کراچی، نول کشور (همو، ج ۴، ص ۲۴۸)، رساله اوسط در لکهنو، لاهور، کراچی، کانپور (همو، ج ۴، ص ۲۴۵).

بسیاری از بزرگان شبه‌قاره بر برخی از آثار جرجانی شرح و حاشیه نوشتند؛ برای مثال، فقیه پنجابی، عبدالحکیم سیالکوٹی (وفات: ۱۰۶۷ق)، بر شرح الموافق جرجانی حاشیه‌ای نوشت. همچنین سیالکوٹی حاشیه‌ای بر حاشیه تحریر القواعد المنطقية جرجانی نگاشت (صدرایی خوبی، ج ۸، ص ۲۰۹). نور محمد مدقق بن شیخ محمد فیروز بن فتح‌الله لاهوری (دانشمند نامی قرن یازدهم) بر صرف میر شرحی نوشت با عنوان تحفه و به اورنگ‌زیب (وفات: ۱۱۱۸ق) تقدیم کرد (همو، ج ۸، ص ۶۱؛ نیز نک: نوشاهی ۴، ج ۲، ص ۱۳۵۰؛ تسیحی، ج ۱، ص ۳۱۴). همچنین محمد زاهد هروی (معروف به میر زاهد، منطقی و حکیم قرن یازدهم و دوازدهم هجری قمری) بر موقف دوم (امور عامه) از شرح الموافق جرجانی حاشیه‌ای نوشت (مشار، ج ۲، ص ۸۴) که نسخه‌ای خطی از آن در دارالعلوم انجمن نعمانیه لاهور با حواشی محمد گل احمد عقیقی وجود دارد (نوشاهی ۴، ج ۴، ص ۵۹۴). برخی هم بر حاشیه زاهدی بر کتاب جرجانی، حاشیه‌ای نوشتند؛ از این جمله‌اند: مولانا محمد مبین لکهنوی (وفات: ۱۲۲۵ق / عالم علوم عقلی و نقلی) (نک: رحمان علی، ص ۲۶۴). نیز احمدالدین بگویی (وفات: ۱۲۸۶ق) شرحی بر صرف میر با عنوان ضیاء الصّرف نوشت (همو، ج ۴، ص ۱۳۵۱). در دیباچه یکی از شرح‌های صرف میر که شارح آن ناشناس است، چنین آمده است: «برای رفع نیاز معلمان به کتاب‌های مطوّل. از آنچه [از] استادان خود تحقیق کرده بودم و نیز محفوظ می‌داشتم، این گزارش را ساختم» (منزوی، ج ۱۳، ص ۲۵۹۱). در سال ۱۲۹۸ق در هند شیخ عبدالرشید علی، شرحی بر رساله شریفیه فی آداب البحت جرجانی نوشت که با حاشیه ابوالحسنات محمد عبدالحی همراه بود (نک: سرکیس، ج ۲، ص ۱۹۶۳). همو شرحی هم بر رساله الشّریفیه فی آداب البحت نگاشت که در سال ۱۲۹۸ق در هند چاپ شد (شکیبانی و پورجوادی، ص ۱۷۴). همچنین درباره شرح‌های دیگر آثار جرجانی، نک: رشیدی (احمدخان ۲، ص ۲۳۱). علاوه بر این شرح‌ها و حاشیه‌نویسی‌ها، نویسندگان شبه‌قاره گاه تحریر تازه‌ای از آثار جرجانی فراهم آورده‌اند؛ برای مثال، فصول اکبری رساله‌ای است از سید علی‌اکبر حسینی اله‌آبادی (وفات: ۱۰۹۱ق) که ظاهراً تحریری است از صرف میر جرجانی (همو، ج ۱، ص ۱۱۲). فصول اکبری را در سال چهارم مدرسه احمد المدارس تدریس می‌کرده‌اند (تسیحی ۲، ص ۲۹۰). همچنین برخی آثار جرجانی، از جمله نحو میر (دست‌کم دو بار)، به زبان اردو ترجمه شده است (منزوی، ج ۱۳، ص

۲۵۸۸) که یکی از آن‌ها بدر منیر (همراه با شرح) و دیگری عزیز النّحاة نام دارد (اختر راهی، ص ۲۳۱). گزیده‌ها یا خلاصه‌هایی هم از آثار جرجانی در شبه‌قاره فراهم آمده است؛ از جمله در بیاضی، گزیده‌ای از صرف میر آمده است (عبّاسی نوشاهی، ۱، ص ۴۹) یا نسخه خطی دیگری که خلاصه‌ای از همین کتاب است، در کتابخانه گنج‌بخش نگهداری می‌شود (تسییحی، ۱، ص ۱۸۹).

۲-۳. نسخه‌های خطی و چاپ‌های سنگی آثار جرجانی در شبه‌قاره. بیشتر آثار جرجانی به زبان عربی است. تنوع موضوعی این آثار (تفسیر، فقه، اصول، حدیث، علوم عقلی، منطق، عرفان، علوم بلاغی، ریاضیات، نجوم، موسیقی، رسائل، شعرهای فارسی ۱ و...)، دایرة اطلاعات و توانمندی ذهنی جرجانی را نشان می‌دهد.

نسخه‌های خطی و چاپی آثار جرجانی در کتابخانه‌های داخل ایران (شیراز، اصفهان، تهران، مشهد، تبریز، قم و...) و خارج از آن (کابل، مصر، ترکیه، عراق، سوریه، انگلیس، آلمان، آمریکا و...) فراوان است. بر آثار جرجانی شرح‌های بسیاری نوشته شده است و این آثار در مدارس تدریس می‌شده‌اند. به سبب کثرت آثار و با توجه به محور سخن، در این نوشتار، به ذکر آثاری از شریف که در شبه‌قاره هند خواننده داشته است، بسنده می‌شود.

از میان آثار متنوع جرجانی، بیش از همه، کتبی که در علوم عقلی، منطق، اصول، حدیث و قواعد زبان عربی است، در شبه‌قاره به چاپ می‌رسید. نسخه‌های خطی فراوانی از آثار وی در کتابخانه‌های شبه‌قاره موجود است. این نسخه‌ها از نظر موضوعی نسبت به چاپ‌های سنگی، تنوع بیشتری دارد. از این جمله است: صرف میر^۲ (نوشاهی، ۶، ص ۳۶۲؛ نیز تسییحی، ۱، ص ۳۵۲). نحو میر (نوشاهی، ۶، ص ۳۷۲) که نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های اسلام‌آباد و لاهور (نوشاهی، ۴، ج ۴، ص ۱۳۷۲) و نیز کراچی، سرگودها و گجرات (همو، ج ۴، ص ۱۳۵۰) و پیشاور و شیخوپوره (منزوی، ج ۱۳، ص ۲۵۹۰) نگهداری می‌شود. سیر و

۱) برخی از تذکره‌های شبه‌قاره، ابیاتی از جرجانی را آورده‌اند؛ برای نمونه، آرزو در تذکره مجمع‌النّفائس، بیتی را از سید شریف جرجانی آورده (نک: آرزو، ج ۲، ص ۷۵۷) یا آفتاب‌رای لکهنوی، در تذکره ریاض‌العارفین چهار بیت از جرجانی ضبط کرده است (نک: آفتاب‌رای لکهنوی، ج ۱، ص ۳۵۰-۳۵۱).

۲) نسخه‌ای از صرف میر در کتابخانه سید حسین احمد شاه در ضمن یک مجموعه موجود است (تسییحی، ص ۳۳۲).

سلوک (شوقیه یا عشق و محبت) (همو، ۲۳۹) در کراچی (منزوی، ج ۳، ص ۱۵۷۴)؛ شرح کافی^۱ در کلکته، دهلی، لکهنو، کانپور (نوشاهی، ۴، ج ۲، ص ۹۵۶)؛ رساله اوسط در لکهنو، لاهور، کراچی (همو، ج ۱، ص ۲۴۵)، صغری در سرگودها، جهلم، راولپندی (هر سه از شهرهای پاکستان) (همو، ج ۴، ص ۵۹۶)؛ نیز تسییحی^۱، (۳۵۶)، نیز نسخه‌هایی از همین اثر در کتابخانه‌های اسلام‌آباد، لاهور، اتک، بهاولپور، کراچی، خیرپور، گوجرانواله (از شهرهای پنجاب) (منزوی، ج ۲، ص ۹۲۵ و ۹۲۶) موجود است. کبری در اسلام‌آباد، اتک، لاهور و کراچی (همو، ۲، ص ۹۲۶ و ۹۲۷)؛ نیز نک: تسییحی^۱، ص ۴۷۶؛ حسین، ص ۲۲۵، ۶۵۲. رساله روح^۲ در لاهور (همو، ۳، ص ۵۸۵)؛ سؤال و جواب (تسییحی^۱، ص ۲۹۸؛ همان، ۲، ص ۹۶۴)؛ اسکندریه در کتابخانه ملی پاکستان در کراچی (شکیبانی و پورجوادی، ص ۱۴۱)؛ آفتاب مسائل علوم ثلاثه در کراچی (منزوی، ج ۱، ص ۸۰۳)؛ الحاشیه علی المطول (خواجہ پیری، ج ۱، ص ۹۷)؛ شرح بوستان (حسین، ص ۴۴۲)؛ حاشیه عضدی^۳ (تسییحی^۲، ص ۲۴۸)؛ مناظره (تسییحی^۱، ص ۵۹۰)؛ رساله‌ای در معانی و بیان و بدیع (منزوی، ج ۳، ص ۱۲۲۷)؛ ترجمان القرآن (همو، ص ۱۰۲۳)؛ نوشاهی، ۵، ص ۳۹۰)؛ نسخه خطی دیگری با عنوان ترجمه قرآن مجید هم از این کتاب در شبه‌قاره موجود است که در انجمن آن چنین آمده است:

«راقمه این قرآن مجید فرقان حمید، سید میر شریف جرجانی» (نوشاهی، ۴، ج ۳، ص ۳ و ۴)؛ شرح ایساغوجی (تسییحی^۱، ص ۲۹۸)؛ حاشیه تجرید الکلام (همو، ص ۱۵۴، ۱۶۲)؛ جامع التعلیلات (همو، ۱۳۴؛ منزوی، ج ۱۳، ص ۲۵۹۱ و ۲۵۹۲)؛ عباسی نوشاهی، ۲، ص ۹۲)؛ حواشی المتعلقة علی خطبة الکتاب قطبی (تسییحی^۱، ص ۱۷۹)؛ حواشی بر تلخیص المفتاح (همو، ۱۷۸)؛ نسخه‌ای خطی هم با عنوان شرح فرائض میر سید شریف جرجانی در کتابخانه گنج‌بخش موجود است (تسییحی^۱، ص ۳۱۷)؛ تعریفات جرجانی (همو، ۳۴، ۱۱۲)، حاشیه جرجانی بر شرح مواقف^۴ (همو، ۱۵۶)، حاشیه الکشاف در کتابخانه ممتازالعلماء لکهنو (حسینی اشکوری، ص ۱۵۳)، شرح مشکوة المصابیح و نیز خلاصة الطیبی و الشریفیة شرح الشراعیة در اسلام‌آباد (احمدخان، ۱، ج ۵، ص ۳۶، ۶۰، ۹۵)؛ نیز نک: همان، ۱۱۴، ۱۱۶ و ۱۲۰؛ احمدخان، ۲،

۱) در کنار صفحاتی از نسخه متوسط (شرح کافیه) که در کتابخانه دکتر نبی‌بخش خان بلوچ نگهداری می‌شود، حاشیه جرجانی کتابت شده است (تسییحی، ص ۳۹).

۲) برخی این رساله را منسوب به جرجانی دانسته‌اند (نک: شکیبانی و پورجوادی، ص ۱۵۳).

۳) این نسخه در کتابخانه دانشکده اسلامیة دانشگاه پیشاور نگهداری می‌شود.

۴) همچنین نسخه‌ای خطی از این کتاب در کتابخانه دارالعلوم دیوبند نگهداری می‌شود (نک: ثبوت، ۱، ص

ص ۱۰۱). (برای آگاهی بیشتر از نسخه‌های خطی آثار جرجانی در کتابخانه‌های شبه‌قاره رک: نوشاهی ۲، ص ۴۶؛ همو ۳، ص ۱۷۲، ۱۸۰؛ یزدی مطلق، ص ۱۴۰۴؛ نیز: شکیبانیا و پورجوادی، ص ۱۳۷-۱۸۲). برخی از نسخه‌ها هم در کتابخانه‌های شبه‌قاره هست که منسوب به جرجانی است؛ از جمله وجودیه^۱ (نوشاهی ۴، ج ۴، ص ۸۹۰)، صنع و صانع (رساله در معرفت، در حکمت و کلام) (منزوی، ج ۲، ص ۹۷۰)، حاشیه میر سید علی المتوسّط (تسبیحی ۱، ص ۱۵۶) و محاکمه ابوالفتح (نوشاهی ۵، ص ۳۱۴). یادداشت‌هایی هم بر حواشی برخی از نسخه‌ها ملاحظه می‌شود که آن‌ها را از آن شریف جرجانی دانسته‌اند؛ برای مثال، بر یکی از نسخه‌های خطی با عنوان آداب بحث یادداشتی است که ظاهراً از جرجانی است (منزوی، ج ۲، ص ۹۱۹). برخی از آثاری که در زمره آثار جرجانی در نسخه‌های خطی موجود در شبه‌قاره بدان‌ها اشاره شد، در منابع کتاب‌شناسی جرجانی نیامده است و جست‌وجو در کتابخانه‌های این سرزمین‌ها چه‌بسا آثار تازه‌ای را از او به دست دهد یا دست‌کم در صحت انتساب یا عدم انتساب این آثار بدو مفید باشد.

علاوه بر این نسخه‌های خطی، شماری از آثار جرجانی در شبه‌قاره بارها به صورت سنگی چاپ شده است که به نمونه‌هایی از آن‌ها در ادامه اشاره می‌کنیم: شرح کافیه (کلکته، ۱۲۷۹ق؛ دهلی، ۱۲۸۵ق)، شرح المواقف (لکهنو، ۱۲۶۲ق؛ دهلی، ۱۲۹۰ق؛ هند، ۱۲۹۴ق)، صرف میر (هند، ۱۸۰۵م؛ لکهنو، ۱۸۷۱م؛ لکهنو، ۱۲۸۸ق؛ کانپور، ۱۲۹۷ق)؛ نحو میر (دهلی، ۱۳۱۱ق؛ لاهور، ۱۹۲۳م)، صغری در منطق (لکهنو، ۱۲۵۹ق، لکهنو، ۱۸۴۳م؛ نیز: ۱۲۶۴ق به همراه کبری)، منطق کبری (لکهنو، ۱۸۴۴)، حاشیه بر تحریر القواعد المنطقية فی شرح الشمسیه (کلکته، ۱۲۶۱ق، لکهنو، ۱۸۸۳)، ظفر الأمانی فی المختصر الجرجانی (هند، ۱۳۰۴ق)، رساله أصول الحدیث (دهلی، ۱۸۵۳؛ لکهنو، ۱۸۷۶) (برای آگاهی بیشتر در این باره، نک: احمدخان ۲، ص ۷۶-۷۸، ۱۰۰-۱۰۲، ۳۶۵؛ نوشاهی ۱، ج ۱، ص ۳۵۴، ۳۶۸؛ مشار، ج ۴، ص ۳۷۷؛ نیز نک: شکیبانیا و پورجوادی، ص ۱۳۷-۱۸۲). این آثار بیش از همه به قواعد زبان عربی و علوم عقلی تعلق دارند؛ همچنین برخی دیگر از آثار جرجانی در موضوعاتی چون تفسیر، حدیث، عرفان، علوم بلاغی و دائرةالمعارفی در شبه‌قاره به چاپ سنگی رسیده است.

نتیجه‌گیری

۱) جرجانی رساله‌ای دارد در علوم عقلی با عنوان «رساله فی الموجودات و مراتبها» یا «مراتب الموجودات» یا «رساله الوجود» (درباره این رساله، نک: شکیبانیا و پورجوادی، ص ۱۴۸) که ظاهراً همین رساله وجودیه است.

منابع و تذکره‌های شبه‌قاره به زندگی و احوال شریف جرجانی پرداخته و در آثار خود به سخنان او استناد کرده‌اند. آنان جرجانی را صاحب‌دانشی دانسته‌اند که دانشش به کار مبتدیان و منتهمیان می‌آید و بر عارف بودن و راوی حدیث بودنش تأکید دارند. نویسندگان این کتاب‌ها درباره نام و احوال و آثار او سخن گفته‌اند و گاه در باب او سهوهایی هم کرده‌اند. برخی از منابع شبه‌قاره، جرجانی را حنفی‌مذهب دانسته‌اند و برخی گفته‌اند او شیعی مذهبی بوده که به مذهب حنفی گراییده است. همچنین بسیاری از این منابع به گرایش جرجانی به بزرگان فرقه نقشبندی اشاره کرده‌اند. در شماری از تذکره‌های شبه‌قاره، به شاعری جرجانی اشاره کرده و نمونه‌ای از شعرش را آورده‌اند. آثار جرجانی در شبه‌قاره به چاپ رسیده و نسخه‌های خطی فراوانی از آن‌ها، چه آثار فارسی و چه عربی او، در کتابخانه‌های آنجا وجود دارد که نمایانگر تأثیر آرا و آثار جرجانی بر این سرزمین‌هاست. چنان‌که از آثار چاپی و نسخه‌های خطی آثار جرجانی در شبه‌قاره بر می‌آید، از میان موضوعات متنوع آثار او، کتاب‌هایی که به حوزه‌های علوم عقلی، منطق، قواعد عربی، علوم بلاغی و حدیث تعلق دارد، بیش از دیگر موضوعات در این سرزمین‌ها مورد توجه بوده است. آثار او در قرون متمادی در مدارس شبه‌قاره تدریس می‌شده و بزرگان اهل شبه‌قاره آن‌ها را نزد استادان خود می‌خوانده‌اند و بر آن‌ها شرح و حاشیه می‌نوشته و تحریرهای تازه‌ای از آن‌ها فراهم می‌آورده‌اند. برخی از آثار او را هم به نظم درآورده یا خلاصه‌ای از آن‌ها فراهم آورده یا به زبان اردو ترجمه کرده‌اند. این امر از قرن نهم تا روزگار معاصر رواج داشته است که گستره نفوذ جرجانی را در این سرزمین‌ها نشان می‌دهد. بخشی از اندیشه‌ها و آثار جرجانی هم به واسطه شاگردان و نوادگانش در شبه‌قاره هند و پاکستان رواج یافت. برخی از بزرگان شبه‌قاره هم سند تدریس خود را از جرجانی دریافت کرده‌اند و این همه، نمودی است از تأثیر آرا و اندیشه‌های جرجانی در شبه‌قاره.

منابع

- «آثار شعراء باستان»، اخگر، ش ۴۵، ۱۳۲۸، ص ۲۳-۲۴.
- «آثار معاصرین»، ارمغان، س ۱۲، ش ۱، ۱۳۱۰، ص ۳۰-۳۸.
- آرزو، سراج‌الدین علی خان، تذکره مجمع‌النفاس، به کوشش مهر نور محمدخان، با همکاری زیب‌النساء علی خان، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۲۰۰۶.
- آزاد بلگرامی، میر غلامعلی، مآثر الکرام (دفتر اول)، به اهتمام محمد قادر علی خان صوفی، مطبع مفید عام، آگره، ۱۹۱۰.
- آفتاب‌رای لکهنوی، تذکره ریاض‌العارفین، به تصحیح و مقدمه سید حسام‌الدین راشدی، مرکز تحقیقات ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۹۷۶.

- احمدخان (۱)، فهرست نسخه‌های خطی خزانه مفتی در اسلام‌آباد (مقتنیات خزانه المفتی)، تصحیح سید محمود نریمانی، مجمع ذخایر اسلامی، قم، ۱۳۸۸.
- _____، (۲)، معجم المطبوعات العربیة فی شبه‌القارة الهندیة الباکستانیة، مكتبة الفهد، ریاض، ۲۰۰۰.
- اختر راهی، ترجمه‌های متون به زبان‌های پاکستانی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۹۸۶.
- اختر هوگلی، قاضی محمدصادق خان، تذکرة آفتاب عالم‌تاب، تصحیح مرضیه بیگ‌وردی، زیر نظر یوسف بیگ‌باباپور، سفیر اردهال، تهران، ۱۳۹۲.
- اردشیری، حسین، «سلطان‌الواعظین شیرازی، الگوی تبلیغ»، مبلغان، ش ۸۷، ۱۳۸۵، ص ۱۷۸-۱۹۰.
- اوحدی بلیانی، تذکرة عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین، به کوشش سید محسن ناجی نصرآبادی، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۸.
- ایمان، رحم‌علی خان، منتخب‌اللطایف، تصحیح و توضیح حسین علیزاده و مهدی علیزاده، طهوری، تهران، ۱۳۸۶.
- بداونی، عبدالقادر بن ملوک شاه، منتخب‌التواریخ، به تصحیح مولوی احمد علی صاحب، با مقدمه و اضافات توفیق هـ سبحانی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۷۹.
- پورجوادی، امیرحسین، «جرجانی، علی»، دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۸.
- تسیحی، محمدحسین (۱)، فهرست الفبایی نسخه‌های خطی کتابخانه گنج‌بخش، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان و اس، تی، پرنترز، اسلام‌آباد، ۲۰۰۰.
- _____ (۲)، کتابخانه‌های پاکستان، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۹۷۷.
- تنکابنی، محمد بن سلیمان، قصص‌العلماء، کتابفروشی علمیه اسلامیة، تهران، بی‌تا.
- ثبوت، اکبر (۱)، «دیوبندیان»، شبه‌قاره، ش ۱، ۱۳۹۲، ص ۲۷-۳۸.
- _____ (۲)، «فیلسوف شیرازی در هند»، اطلاعات حکمت و معرفت، س ۵، ش ۱۱، ۱۳۸۹، ص ۱۲-۱۹.
- _____ (۳)، «کتاب‌های ایرانیان در برنامه‌های مدارس اسلامی هند»، آینه میراث، ش ۴۰، ۱۳۸۷، ص ۱۳-۳۲.
- ثناء‌الله پانی‌پتی، التفسیر المظهری، مكتبة رشدیة، پاکستان، ۱۴۱۲.
- جامی، عبدالرحمن، نفحات‌الأنس من حضرات‌القدس، به کوشش محمود عابدی، سخن، تهران، ۱۳۷۰.
- جرجانی، میر سید شریف، شرح‌المواقف مع حاشیبتین لعبد‌الحکیم سیالکوتی و حسن چلی، مصحح بدرالدین التعمسانی، مطبعة السعادة، مصر، ۱۳۲۷ق.
- چوهدری، شاهد، «ایران و اقبال»، مجموعه‌مقالات همایش علامه اقبال، وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۰.
- حاج‌سیدجوادی، سید کمال، «عبدالحق محدث دهلوی»، آینه میراث، ۱۳۸۷، ش ۴۰، ۱۳۸۷، ص ۱۳۳-۱۴۶.
- حسنی لکهنوی، عبدالحی، نزهة الخواطر و بهجة المسامع و التواظر، دایرة‌المعارف العثمانیة، حیدرآباد دکن، ۱۹۵۹.
- حسین، محمد بشیر، فهرست مخطوطات شیرانی، اداره تحقیقات پاکستان، دانشگاه پنجاب، لاهور، ۱۹۷۳.
- حسینی اشکوری، صادق، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ممتازالعلماء (لکهنو-هند)، مجمع ذخایر اسلامی، قم، ۱۳۸۵.

- حسینی تربتی، ابوطالب، تزوئات تیموری، کتابفروشی اسدی، تهران، ۱۳۴۲.
- حسینی فسایی، حسن، فارسنامه ناصری، تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسایی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۲.
- الحسینی المیلانی، السید علی، نفحات الأزهار فی خلاصة عقبات الأنوار، بی جا، ۱۳۷۸ق.
- خنجی، فضل الله بن روزبهان، مهمان نامه بخارا، به کوشش منوچهر ستوده، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۲۵۳۵.
- خواجه شیرازی، محمد بن احمد، النظامية فی مذهب الإمامية (متن کلامی فارسی قرن دهم هـ ق)، تصحیح و تحقیق علی اوجبی، قبله، تهران، ۱۳۷۵.
- خواجه پیری، مهدی (زیر نظر)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه راجه محمودآباد، لکهنو، با همکاری شریف حسین قاسمی، محمد اسلم خان و بهرام یمنی، مرکز تحقیقات زبان فارسی در هند، دهلی، ۱۴۰۸ق.
- خواندمیر، غیاث‌الدین (۱)، تاریخ حبیب‌السیر، کتابفروشی خیام، تهران، ۱۳۵۳.
- _____ (۲)، رجال کتاب حبیب‌السیر، به کوشش عبدالحسین نوایی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۷۹.
- الخوانساری، محمد باقر، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، به کوشش اسدالله اسماعیلیان، مکتبه اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۱.
- الدوانی، جلال‌الدین محمد بن اسعد، ثلاث رسائل، به کوشش احمد توسرکانی، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۴۱۱ق.
- دهلوی کشمیری همدانی، محمد صادق، کلمات الصادقین، تصحیح و تعلیق و مقدمه انگلیسی محمد سلیم اختر، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۹۸۸.
- رحمان علی، محمد عبدالشکور بن علی، تحفة الفضلاء فی تراجم الکملاء (تذکره علمای هند)، به کوشش یوسف بیگ‌باباپور، مجمع ذخایر اسلامی، قم، ۱۳۹۱.
- رضوی، سید اطهر عباس، «تأثیر ابن سینا بر جنبش‌های علمی و عقلی هندوستان»، ترجمه سید مهدی حسینی اسفیلدواجانی، اطلاعات حکمت و معرفت، س ۷، ش ۲، ۱۳۹۱، ص ۴۶-۵۰.
- روملو، حسن بیگ، احسن التواریخ، به کوشش عبدالحسین نوایی، اساطیر، تهران، ۱۳۸۴.
- السخاوی، شمس‌الدین محمد بن عبدالرحمن (۱)، الصّوّء الأعم لأهل القرن التاسع، منشورات دار مکتبه الحیاة، بیروت، بی تا.
- _____ (۲)، وجیز الکلام فی الذّیل علی دول الإسلام، به کوشش بشّار عوّاد معروف و غصام فارس الحرسثانی و أحمد الخطینی، مؤسّسة الرّسالة، بیروت، بی تا.
- سریس، یوسف البیان، معجم المطبوعات العربیة و المعربیة، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، قم، ۱۴۱۰ق.
- سلطان‌الواعظین، سید محمد، شب‌های پیشاور، محقق عبدالرضا درایتی، دارالتهدیب، قم، ۱۳۹۵.
- سیوطی، حافظ جلال‌الدین عبدالرحمن، بغیة الوعاة فی طبقات اللّغویین و النّحاة، مطبعة عیسی البابی الحلبی و شرکاء، سوریه، ۱۹۶۵.
- شفیق اورنگ‌آبادی، لجهمی نراین، شام غریبان، تصحیح محمد اکبرالدین صدیقی، انجمن ترقی اردوی پاکستان، کراچی، ۱۹۷۷.
- شکبیانیا، مهدی، و رضا پورجوادی، «کتاب‌شناسی میر سید شریف جرجانی (گرگانی)»، معارف، ش ۵۷، ۱۳۸۱، ص

۱۳۴-۱۹۲.

- شوکانی، محمد بن علی، البدر الطالع بمحاسن من بعد قرن السابع، دار ابن کثیر، القاهرة، بی‌تا.
- شیرازی، عیسی بن جنید، هزار مزار، به کوشش نورانی وصال، کتابخانه احمدی، شیراز، ۱۳۶۴.
- صبا، محمد مظفر حسین، تذکره روز روشن، به تصحیح و تحشیه محمدحسین رکن‌زاده آدمیت، کتابخانه رازی، تهران، ۱۳۴۳.
- صدرایی خویی، علی، میراث مشترک ایران و هند، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، قم، ۱۳۹۱.
- صدیق حسن (۱)، أبجد العلوم، وضع حواشیه و فهارسه أحمد شمس‌الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۰ق.
- _____ (۲) تذکره شمع انجمن، تصحیح و تعلیقات محمد کاظم کهدویی، دانشگاه یزد، یزد، ۱۳۸۶.
- طاش‌کوپری‌زاده، احمد بن مصطفی (۱)، الشقائق التعماتیة فی علماء الدولة العثمانیة، بی‌نا، استانبول، بی‌تا.
- _____ (۲)، مفتاح السعادة و مصباح السیادة فی موضوعات العلوم، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۲ق.
- عبّاسی نوشاهی، سید خضر (۱)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور «گنجینه آذر»، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۹۸۶.
- _____ (۲)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه همدرد کراچی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۹۸۸.
- _____ (۳)، گنجینه شوق، کافی پبلیکیشن، کراچی، ۱۹۹۳.
- عبدالحق محدّث‌دهلوی، اخبار الاختیار فی اسرار الابرار، تصحیح علیم اشرف‌خان، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳.
- عظیم‌آبادی، حسینی‌قلی‌خان، تذکره نشتر عشق، تصحیح و تعلیقات سید کمال حاج‌سیدجوادی، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۹۱.
- عیوضی، محمدعلی، «قوام‌الدین کربالی و سید شمس‌الدین محمد بن شریف جرجانی در مجموعه بلاغی عبدالرحیم بن معروف رازی»، میراث شهاب، ش ۸۶، ۱۳۹۵، ص ۲۷-۵۰.
- غنی، قاسم، بحث در آثار و افکار و احوال حافظ، زوار، تهران، ۱۳۶۶.
- غنی، محمد عبدالغنی، تذکره الشعراء، به کوشش محمد اسلم‌خان، سعود احمد دهلوی، دهلی، ۱۹۹۹.
- فخرالزمانی قزوینی، عبدالنبی، تذکره میخانه، به اهتمام احمد گلچین معانی، اقبال، تهران، ۱۳۶۷.
- فرصت شیرازی، محمد نصیر، آثار العجم، به کوشش منصور رستگار فسایی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۷.
- قاطعی هروی، تذکره مجمع الشعراء جهانگیرشاهی، با تصحیح و تعلیق و مقدمه محمد سلیم اختر، مؤسسه تحقیقات علوم آسیای میانه و غربی، کراچی، ۱۹۷۹.
- کاشفی، فخرالدین علی بن حسین واعظ، رشحات عین‌الحیات، به کوشش علی‌اصغر معینیان، بنیاد نیکوکاری نوریانی، تهران، ۱۳۵۶.
- کرمانی، عبدالرزاق، شاه نعمت‌الله کرمانی، به کوشش ژان اوین، کتابخانه طهوری، تهران، ۱۳۶۱.
- کوموش، صدرالدین، «السید الشریف الجرجانی و مکاتبه فی العلوم الاسلامیة»، التراث العربی، ش ۱۱۶۶، ۱۴۱۷ق، ص ۳۵-۴۵.
- اللكنوی هندی، أبوالحسنات محمد عبدالحی، الفوائد البهیة فی تراجم الحنفیة، عنی بتصحیحه و تعلیق بعض الزوائد علیه

- محمد بدرالدین ابوفراس التعمسانی، مطبعة السعادة، مصر، ۱۳۲۴ق.
- محمد قدرت‌الله گویاموی، تذکرة نتائج الأفكار، تصحيح يوسف بيگ باباپور، مجمع ذخاير اسلامي، قم، ۱۳۸۷.
- مدرّس، محمدعلی، ریحانة الأدب، خيّم، تهران، ۱۳۷۴.
- المرادی، محمد خليل، سلك الدرر في أعيان القرن الثاني عشر، تحقيق أكرم حسن العلي، دار صادر، بيروت، ۲۰۰۱.
- مستوفى باقى، محمد مفيد، جامع مفيدى، به كوشش ايرج افشار، اساطير، تهران، بی تا.
- مشار، خان بابا، مؤلفين كتب چاپی فارسی و عربی از آغاز تاکنون، بی نا، بی جا، ۱۳۴۲.
- معصوم‌علیشاه، محمد، طرائق الحقائق، به كوشش محمدجعفر محبوب، سنایی، تهران، بی تا.
- مقریزی، تقی‌الدین احمد بن علی، درر العقود الفريدة في تراجم الأعيان المفيدة، به كوشش محمود الجليلی، دارالغرب الإسلامی، بيروت، ۲۰۰۳.
- منزوی، احمد، فهرست مشترك نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، مركز تحقيقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۹۸۳-۱۹۹۲.
- نقوی، سيد عليرضا، تذكرة نويسی فارسی در هند و پاکستان، علمی، تهران، ۱۳۴۳.
- نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، اسلامیه، تهران، ۱۳۷۷.
- نوشاهی، عارف (۱)، فهرست کتاب‌های فارسی چاپ سنگی و كمياب كتابخانه گنج‌بخش، مركز تحقيقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۹۸۶.
- _____ (۲)، «فهرست نسخه‌های خطی عربی و فارسی كتابخانه نوشاهیه (سahن پال پاکستان)»، مترجم سيد حسن عباس، نشرية تحقيقات كتابداري و اطلاع‌رسانی دانشگاهی، ش ۱۸، ۱۳۷۰، ص ۴۱-۸۰.
- _____ (۳)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی آرشیو ملی پاکستان اسلام‌آباد: گنجینه مفتی فضل عظیم بهیروی، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۹۰.
- _____ (۴)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۹۶.
- _____ (۵)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی كتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب لاهور (پاکستان) (مجموعه‌های آزاد، پیرزاده، شیرانی، کیفی و عمومی)، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۹۰.
- _____ (۶)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی موزه ملی پاکستان-کراچی، مركز تحقيقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۳۶۲.
- _____ (۷)، كتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ‌شده در شبه‌قاره (هند، پاکستان، بنگلادش)، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۹۱.
- واله داغستانی، علینقی، تذکرة رياض الشعراء، مقدمه، تصحيح و تعليقات سيد محسن ناجی نصرآبادی، اساطير، تهران، ۱۳۸۴.
- هاشمی سندیلوی، شيخ احمد علی خان، تذکرة مخزن الغرائب، به اهتمام محمد باقر، دانشگاه پنجاب، لاهور، ۱۹۷۰.
- هدی، م، ز، «سلطان سکندر لودی پادشاه شاعر و علم‌پرو»، ترجمه پوهاند مير حسين شاه، آريانا، س ۲۸، ش ۶، ۱۳۴۹، ص ۲۶-۳۴.

یزدی مطلق (فاضل)، محمود، «اسکندریه تألیف علامه میر سید شریف گرگانی»، محقق نامه، بهاء‌الدین خزّمشاهی و جویا جهانبخش، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰.